

## تیر خلاص ژورنالیسم

# گلوله بر فی خبر نگاران شهروندی هر روز بزرگتر می شود!

◀ خبر نگاران و عکاسان خبری حرفه‌ای شناسنامه‌دار را به راحتی می توان شناسایی و محدود کرد اما با شهروندان خبرنگار چه می توان کرد؛ درست در زمانی که افزایش قدرت رسانه دیجیتال همه مرزها را پشت سر می گذارد!

سعید اصغر زاده | به قول دکتر هادی خانیکی، یکی از مشهور ترین پدیده‌هایی که منجر به توجه بیشتر به روزنامه‌نگاری شهروندی شد، ماجرای سقوط هواپیمایی است که از فرودگاه نیویورک بلند شده و پرواز می کند، اما ۲ دقیقه بعد دچار سانحه می شود، چون یک پرنده داخل موتورش رفته بود. هشت دقیقه بعد هم خلبان با مهارت هواپیما را

روی رودخانه می نشاند و ۱۵۵ نفر همه جان سالم به در می برند. یعنی ۱۰ دقیقه بعد از پرواز فرود می آید. هشت دقیقه بعد از سقوط، یکی از مسافران که در قایق نجات نشسته بود، از هواپیمای ساقط شده به کمک موبایلش عکسی را می گیرد و چند دقیقه بعد، این عکس روی یکی از پایگاه‌های اینترنتی منتشر می شود. دوازده دقیقه بعد هم، در نیویورک تایمز چاپ

می شود. سرعت انتشار خبر و عکس نسبت به بقیه و این که این عکس توسط چه کسی گرفته شده و این خبر توسط چه کسی تهیه شده، تفاوت اصلی است که این نوع روزنامه‌نگاری را از روزنامه‌نگاری متعارف یا روزنامه‌نگاری جریان اصلی نشان می دهد. در مورد خبر هواپیما، می بینید که عده‌ای از نیویورک تایمز هم سریع تر شده‌اند. اگر تایمز می خواست

وبلاگ نویسی و حضور در شبکه‌های اجتماعی شکل می یابد. در چنین جامعه‌ای، شهروندان منتظر رسانه‌های رسمی نمی ماندند و گفت و گو درباره یک رخداد یا فاصله کم از آن و یا حتی همزمان با آن، شکل می گیرد.

به اعتقاد محمود شهبایی، ژورنالیسم شهروندی را نباید با ژورنالیسم باهم‌سنجی یا جامعه‌شناسی (Community journalism) و ژورنالیسم مدنی (Civic) که توسط ژورنالیست‌های حرفه‌ای انجام می شود، اشتباه گرفت. به علاوه ژورنالیسم شهروندی از ژورنالیسم مبتنی بر همکاری (Collaborative) که در آن ژورنالیست‌های حرفه‌ای و غیر حرفه‌ای با یکدیگر کار می کنند نیز متفاوت است. همچنین ژورنالیست‌های شهروندی از ژورنالیسم انتقادی (Activist) نیز متفاوت است. ژورنالیسم انتقادی یعنی استفاده از تکنولوژی برای ثبت و ضبط یک رویداد غیر مترقبه. مثلا فیلمبرداری ۳۰ ثانیه‌ای یک رهگذر به نام زاپس‌آورد از ترور رئیس جمهوری آمریکا در ۲۲ نوامبر ۱۹۶۳ یا فیلمبرداری یک شهروند از لحظه برخورد هواپیماها به برج‌های دوقلو در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ از مصادیق ژورنالیسم اتفاقی است. اما ژورنالیسم شهروندی اندیشیده و تعمدی و از پیش برنامه‌ریزی شده است. ژورنالیسم شهروندی عمدتاً از سوی کسانی دنبال می شود که به نحوی توسط رسانه‌های اصلی یا غالب کنار گذاشته می شوند یا بد معرفی یا بازنمایی می شوند یا اصلاً بازنمایی نمی شوند.

در کشور‌های غربی این افراد به حاشیه رانده شده عیار تند از زنان متعلق به گروه‌های کم‌رآمد جامعه، اقلیت‌ها و برخی از گروه‌های جوانان، یعنی کسانی که به رسانه‌های اصلی و بزرگ دسترسی ندارند یا کمتر دسترسی دارند. در جوامع در حال توسعه نیز کاربرد این نوع ژورنالیسم در سال‌های اخیر رو به افزایش داشته است. مثلا فیلمبرداری از تظاهرات راهپیمایی طرفداران آنها در برمه در سپتامبر ۲۰۰۷

توسط شهروندان برمه‌ای و ارسال صدها عکس، ویدیو، پست الکترونیکی به شبکه‌های تلویزیونی در جهان باوجود محدودیت‌های رسانه‌ای در آن کشور از مصادیق ژورنالیسم شهروندی محسوب می شود. البته ژورنالیسم شهروندی ابعاد و مولفه‌های دیگری نیز دارد. جی.دی لاسیکا این ابعاد را این گونه برمی شمرد:

- ۱- مشارکت مخاطب به شکل اظهار نظر در مورد رویدادهای مهم روز در وبلاگ‌های شخصی، عکس یا فیلم از طریق گوشی تلفن همراه یا نوشتن اخبار محلی توسط ساکنان یک محله
- ۲- وبسایت‌های خبری و اطلاعاتی مستقل
- ۳- سایت‌های خبری مشارکتی
- ۴- سایت‌های رسانه‌ای همگانی و جمعی
- ۵- سایر رسانه‌های خرد (مانند فهرست آدرس‌های پست الکترونیکی و خبرنامه‌های اینترنتی)

۶- سایت‌های پخش شخصی (سایت‌های پخش ویدیویی) **رسانه شهروندی** **شاید بتوان گفت که پسوند خبرنگار در اصطلاح «شهروند- خبرنگار» به نادرستی اضافه شده است. برداشتی که ما از «شهروند- خبرنگار» داریم، به فعال اجتماعی سیاسی نزدیک تر است به این ترتیب، شهروند - خبرنگار کسی است که به رخدادهای جامعه پیرامونش علاقه‌مند است**

شبهه‌های ارسال پیامک اینترنتی و شبکه‌های اجتماعی می نویسند یا از یک رویداد ارزشمند به لحاظ خبری با استفاده از دوربین فیلمبرداری یا دوربین گوشی تلفن همراه عکس دیجیتال یا فیلم‌های خبری تهیه و روی سایت‌هایی همچون یوتیوب (YouTube) ارسال می کنند.

بدین ترتیب اگر تا چند سال قبل شهروند خبرنگاران برای انتشار یا پخش فیلم‌های خود نیازمند دستگاه پخش کننده (مثلا سازمان‌های

شبهه‌های ارسال پیامک اینترنتی و شبکه‌های اجتماعی می نویسند یا از یک رویداد ارزشمند به لحاظ خبری با استفاده از دوربین فیلمبرداری یا دوربین گوشی تلفن همراه عکس دیجیتال یا فیلم‌های خبری تهیه و روی سایت‌هایی همچون یوتیوب (YouTube) ارسال می کنند.

بدین ترتیب اگر تا چند سال قبل شهروند خبرنگاران برای انتشار یا پخش فیلم‌های خود نیازمند دستگاه پخش کننده (مثلا سازمان‌های

خبری) بودند امروزه با رواج شبکه‌های اجتماعی، وبلاگ‌ها، یادکست‌ها، ویدیوبلاگ‌ها این وابستگی از بین رفته و افراد برای بیان افکار خود نیازی به بنگاه‌ها یا سازمان‌های پخش ندارند. این بی‌نیازی به سازمان‌های پخش و از آن مهم‌تر بی‌نیازی شهروندان به ژورنالیست‌های حرفه‌ای باعث شده تا عده‌ای از ژورنالیست‌ها ادعا کنند که ژورنالیسم

یک در عصر فوروم خود به‌سر می‌برد. به این معنی که اینترنت همان تاثیری را بر ژورنالیسم گذاشته است که مطبوعات چاپی بر کلیسا گذاشتند. یعنی حذف اقتدار کلیسا و حذف نقش واسطگی بین انسان و خدا در مسیحیت قابل مقایسه است با حذف همه واسطه‌ها از سوی اینترنت در همه صنایع از جمله صنعت روزنامه‌نگاری. اینک شهروندان این امکان را دارند که رابطه مستقیمی با اخبار و اطلاعات برقرار کنند چه به‌عنوان تولیدکننده و چه به‌عنوان مصرف‌کننده. هم‌اکنون ژورنالیست‌های حرفه‌ای با کسانی وارد رقابت شده‌اند که همواره خود را متعهد و موظف به اطلاع‌رسانی به آنان می‌دانستند. ژورنالیسم شهروندی فرآیند انتقال پیام از فرستنده به گیرنده را معکوس ساخته است.

**خبرنگار گوله‌پشتی**  
خبرنگار گوله‌پشتی یا خبرنگار سولوو شکل دیگری از خبرنگاری شهروندی است با این تفاوت که خبرنگاران گوله‌پشتی رسانه‌ها را استفاده از ابزار تهیه خبر آموزش‌های حرفه‌ای دیده‌اند اما شهروندانی که به صورت خودجوش از امکانات الکترونیکی خود استفاده می کنند، تحت آموزش‌های حرفه‌ای قرار نگرفته‌اند. قابل ذکر است

خبرنگار گوله‌پشتی یا خبرنگار سولوو شکل دیگری از خبرنگاری شهروندی است با این تفاوت که خبرنگاران گوله‌پشتی رسانه‌ها را استفاده از ابزار تهیه خبر آموزش‌های حرفه‌ای دیده‌اند اما شهروندانی که به صورت خودجوش از امکانات الکترونیکی خود استفاده می کنند، تحت آموزش‌های حرفه‌ای قرار نگرفته‌اند. قابل ذکر است

خبرنگار گوله‌پشتی یا خبرنگار سولوو شکل دیگری از خبرنگاری شهروندی است با این تفاوت که خبرنگاران گوله‌پشتی رسانه‌ها را استفاده از ابزار تهیه خبر آموزش‌های حرفه‌ای دیده‌اند اما شهروندانی که به صورت خودجوش از امکانات الکترونیکی خود استفاده می کنند، تحت آموزش‌های حرفه‌ای قرار نگرفته‌اند. قابل ذکر است



که شهروندان خبرنگار دسترسی بیشتر یا واکنش سریع‌تری نسبت به وقایعی که در صحنه حضور ایشان اتفاق می افتد، دارند. ابزارهای نوین ارتباطی همچون اینترنت با ویژگی‌هایی چون سرعت و تاثیرگذاری در بخش وسیعی از مخاطبان که خود گزینش‌گرند از دلایل پدید آمدن روزنامه‌نگاری شهروندی هستند. این همان تبعیت از نظریه کمربند انتقالی یا گوله‌برفی است. این گوله برف کوچک با حرکت خود از قله به سمت پایین تبدیل به توده بزرگی می‌شود که قدرتی عظیم به همراه دارد و در برخورد با افزایش داده و از سوی دیگر دریافت محتوا را نیز خودگزين کرده‌اند.

**خبرنگار شهروند همکار خبرنگار حرفه‌ای در رسانه**  
خبرنگاران شهروند به‌عنوان شاهدان عینی اتفاقاتی که هنگام غیاب خبرنگاران حرفه‌ای رخ می‌دهد می‌توانند نسبت به ضبط وقایع و بیان آنها اقدام کنند. در بسیاری از رسانه‌ها با درخواست از شهروندان و پدید آوردن امکان همکاری روی سایت رسانه، از اطلاعات دریافتی و بررسی آنها با نزدیکی به اتفاق رخ داده، می‌توان اطلاعات را کامل و نسبت

به انتشار گزارش یا مقاله در آن خصوص اقدام کرد. امروزه شاهد این همکاری در بسیاری از کشورها که حضور خبرنگاران خارجی ممنوع است، هستیم. توسعه فناوری‌های نوین دیجیتال و وب، فضایی را برای رشد خبرنگاران شهروند به وجود آورده است، به گونه‌ای که هر کاربر که حرفه‌ای یا تصویری برای ارابه داشته باشد، یک خبرنگار شهروند محسوب می‌شود.

رسانه‌ها از فیلم، عکس و مشاهدات شهروندان برای تکمیل این بازول استفاده می‌کنند. اما رسانه با یادآوری این که هیچ مسئولیتی در قبال صحت ادعای شهروندان ندارد، مرتب به این موضوع نیز دخیل می‌شود. همچنین شبکه خبری «سی‌ان‌ان» در سال ۲۰۰۶ بخشی از این اشاره می‌کند. در این بین می‌توان به شبکه‌های خبری بی‌بی‌سی و سی‌ان‌ان اشاره

تولیدات خبری کاربران اینترنت بردارد. سپس

عکاسی مردم از سقوط هواپیمای روزنامه‌نگاران شهروندی / شهر وند

